

مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی

دکتر محمد علی رنجبر

عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

سرشناسه : رنجبر، محمدعلی، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور : مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی/ محمدعلی رنجبر.
مشخصات نشر : شیراز: کوشامهر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.
۳۵۰۰۰ ریال: 978-964-974-099-7
شابک :

وضعیت فهرست نویسی : فبا
یادداشت : کتابنامه .
موضوع : شعائر و مراسم مذهبی -- ایران -- تاریخ -- ۹۰۷ - ۱۱۲۸ ق.
موضوع : ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۲۸ ق.
رده بندی کنگره : ۱۷۸۵۳۹/۲م ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۷۱
شماره کتابشناسی ملی : ۹۷۶۷۳۰۲

مراسم مذهبی در ایران عصر صفوی

تألیف : دکتر محمدعلی رنجبر (عضویت علمی دانشگاه شیراز)

انتشارات : کوشامهر

قیمت : سی و پنج هزار ریال

چاپ : ۱۳۹۰

حق چاپ برای انتشارات کوشامهر محفوظ میباشد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	ادبیات پژوهش
۱۹	مذهب و سیاست در دوره‌ی صفوی
۴۵	پیشینه مراسم مذهبی شیعیان
۶۱	عزاداری ماه محرم
۱۰۹	نگرشی به بازتاب واقعه محرم در شعر دوره صفوی
۱۲۵	اعیاد مذهبی
۱۳۷	زیارت
۱۵۹	نتیجه
۱۶۴	کتابشناسی
۱۷۱	مقالات
۱۷۲	نمایه

مقدمه

مراسم مذهبی به عنوان قابل مشاهده‌ترین، آشکارترین و برجسته‌ترین اجزا و عناصر اعمال دینی ریشه در اصول ارزش‌ها و هنجارهای مذهبی هر دوره دارد. در میان شیعیان مراسم مذهبی و به ویژه مراسم خاص شیعی جایگاه مهمی در اصول اعتقادی و زندگی اجتماعی دارد و از پیشینه طولانی برخوردار است.

بررسی و شناخت روند برپایی و تحول مراسم مذهبی در دوره صفوی (۱۱۳۵ - ۹۰۷ ه.ق.) به عنوان مساله بنیادی در این پژوهش از اهمیت زیادی برخوردار است. در طول تاریخ تشیع، دوره صفوی مقطع مهم و تاثیرگذار محسوب می‌شود. رسمیت تشیع و ایجاد نخستین قلمرو بزرگ شیعی و به دنبال آن شکل‌گیری و توسعه نهادهای مرتبط با حوزه دین و هم‌چنین تعاملی که میان نهاد سیاسی و نهاد مذهبی ایجاد شد همگی از اهمیت دوره صفوی در تاریخ تشیع و ایران حکایت دارد. از اینرو حکومت صفوی آغاز دوره نوینی در شکل‌گیری ارزش‌ها، باورها و نگرش‌ها در جامعه ایران است و در نتیجه بازنمایی عوامل موثر در برپایی و تحول مراسم مذهبی - در این دوره جدید حیات

دینی و سیاسی- در پژوهش‌های دینی و بررسی‌های تاریخ ایران اهمیت دارد.

در موضوع پیدایش و روند شکل‌گیری مراسم مذهبی شیعی و به ویژه عزاداری ایام محرم سخنان قابل توجهی به میان آمده است و بطور مشخص از دوره آل بویه و جایگاه تاسیسی آن در موضوع مورد نظر یاد شده است، اما به سیر این مراسم و سایر مراسم مذهبی در دوره طولانی صفوی پرتو روشنی نتابیده است و هم چنان ابهامات وجود دارد در این پژوهش بر اساس کلیه منابع موجود دوره صفوی، مراسم مذهبی چون سوگواری ایام محرم و اعیاد مذهبی در جامعه ایران عصر صفوی مطالعه شده است. این منابع شامل ؛ (۱) تاریخ عمومی، (۲) سفرنامه‌ها، (۳) تاریخ‌های محلی، (۴) کتب رجال، و (۵) متون ادبی می‌باشد. افزون بر شناسایی و استفاده از منابع یاد شده دست اول، پژوهش‌های نوین موجود نیز به کار آمده است. در میان منابع، سفرنامه‌ها تفصیل بیشتری به موضوع مراسم داده‌اند هر چند کاملترین آنها در موضوع پژوهش حاضر، هم چون دلاواله، تاورنیه، دن گارسیا به موارد به نسبت مشابه اشاره دارند. سایر منابع، به ویژه تاریخ‌های عمومی اطلاعات کمی ارائه می‌دهند و به نظر می‌رسد فراگیری و متداول بودن بر پایِ مراسم مذهبی موجب شده که به عنوان امر عادی، یادی از آن نشود مگر در مواردی که شاه یا دربار صفوی ارتباط خاصی با موضوع پیدا می‌کند. در کتب رجال و زندگی‌نامه عالمان دینی آن دوره نیز یادآوری قابل توجهی از مراسم نمی‌شود جز در مواردی کوتاه که سخن از رد و اثبات در میان باشد، هم چون

توضیحاتی که میرزا عبدالله افندی در مورد اعتقادات میرزا مخدوم شریفی عالم متمایل به تسنن دوره صفویه دارد. در اشعار دوره صفوی، شعر مذهبی در مدح و مرثیه رواج یافت چهره‌هایی چون محتشم کاشانی در این مورد آوازه‌ای درخور یافت. از ادبیات این دوره در فصلی با عنوان بازتاب مراسم عزاداری در شعر دوره صفوی یاد شده است. پژوهش نوینی در موضوع مراسم مذهبی به زبان فارسی یا لاتین بدست نیامده؛ اشارات کوتاه و بیشتر ژورنالیستی در موضوع عزاداری با استفاده از چند سفرنامه معروف نهایت گامی است که در این راه برداشته شده و همه جانبه و روشمند نیست.

اطلاعات موجود در موضوع مورد بررسی در بخشهای زیر طرح شده است:

در بخش نخست با عنوان مذهب و سیاست در دوره صفوی از روند رسمیت و استقرار تشیع در این دوره سخن به میان آمده، و با یاد از واقعه مهم مهاجرت عالمان عرب به ایران در دوره تهماسب و تشکیلات نهاد دینی با رهبری فقیهان و زمینه‌های احتمالی رویارویی آن با نهاد سیاسی و سلطنت، کوشش شده است وضع مذهب و سیاست و تاثیر آن در تظاهرات مذهبی و مراسم دینی بازشناسی شود. در بخش دوم، پیشینه مراسم مذهبی آمده و به مهمترین آگاهی‌ها از پیدایش و سیر اولیه برپایی مراسم در میان شیعیان اشاره رفته است؛ بطور خاص از جایگاه دوره آل‌بویه و اقداماتی که به منظور عمومیت بخشیدن به مراسم مذهبی و به ویژه سوگواری ایام محرم صورت گرفت یاد می‌شود.

در بخش سوم با عنوان عزاداری ماه محرم با دسته‌بندی منابع به دو گروه منابع بیگانه (سفر نامه‌ها) و منابع داخلی به ارزیابی اطلاعات آنها پرداخته شده است و با اشاره به اثر روضه‌الشهدا آگاهی لازم در این زمینه بدست آمده است. بخش چهارم به عنوان اعیاد مذهبی، داده‌های اندک موجود درباره مراسم عید فطر، قربان، و غدیر گردآوری شده است.

با عنوان زیارت، به سفرهای متعدد شاهان صفوی و اعمال و اقدامات آنها در طی این مسافرتها اشاره شده است؛ مقابر و آرامگاه ائمه و امام زادگان (ع) و هم چنین بزرگان تصوف محل مراجعه بود که از آغاز صفوی روند رو به رشدی را شروع کرد و در دوره عباس اول به اوج خود رسید اما پس از آن، دست کم از سوی شاهان صفوی کمتر تداوم یافت.

دستاوردهای پژوهش حاضر، روندی از برپایی مراسم سوگواری و جشن و شادی مذهبی در ایام خاص آن را به دست داد. بطور ویژه، این پژوهش پاسخ به فرض‌هایی است که در مورد پیدایش و تحول مراسم در دوره‌ی صفوی و در تعامل با شرایط سیاسی - مذهبی و عوامل مؤثر درونی و بیرونی مطرح شده بود. مهم‌ترین دستاوردها، توضیح این مطلب است که صفویان برخوردار از میراث مرحله پیدایش و تشکل مراسم مذهبی پیش از خود بودند. بنابر این بیش از آن که جایگاه آغازگر و مؤسس داشته باشند در روند تحول شکل و به‌ویژه محتوای مراسم اثر گذاشتند و به تکامل و پیچیدگی آن افزودند.

آنچه بیش از همه انجام پژوهش را با دشواری و تاخیر روبرو ساخت اطلاعات اندک در این باره بود که امکان بازسازی کامل روایت‌ها را نمی‌داد. اوقات زیادی صرف جستجو در منابع مختلف گذشت که بخش قابل توجهی از آنها کوچکترین آگاهی‌ارایه نمی‌دهند. بنابراین کتابشناسی موجود که بر اساس منابعی تنظیم شده است که امکان ارجاع به آنها در متن پژوهش بوده، نشانگر همه تلاش‌ها نیست. اما علی‌رغم این دشواری، نتیجه پژوهش پاسخ پرسش‌های مهمی را در حوزه مراسم مذهبی دوره صفوی فراهم می‌کند و به تبیین قابل فهمی از روند و تحول مراسم می‌انجامد.

ادبیات پژوهش

در پیشینه پژوهش‌ها در موضوع پیدایش و روند شکل‌گیری مراسم مذهبی شیعی و به ویژه عزاداری ایام محرم نکات قابل توجهی طرح شده و به‌طور مشخص دوره آل بویه و جایگاه تأسیس آن به حیطه مطالعات کم و بیش روشمند درآمده است، هم‌چنین به ضرورت پیشینه طرح مباحث کلامی در اثبات یا عدم حقیقت شرعی مراسم و مواسم مذهبی، آثار و رساله‌هایی از سوی چهره‌های دینی به قلم آمده است. اثر بزرگداشت‌ها در اسلام در بردارنده پاسخ بخش قابل توجهی از پرسش‌هایی است که به‌ویژه از سوی اهل سنت در مراسم مذهبی شیعیان وارد شده است.

از آنجا که موضوع پژوهش در مقطع زمانی آغاز قرن دهم و پیدایش حکومت صفوی (۹۰۷ هـ.ق) است سعی شده است با استفاده

از مهمترین دستاورد پژوهش‌های نوین و هم‌چنین داده‌های بنیادی و محوری منابع شناخته شده، از پیشینه مراسم مذهبی شیعی به‌عنوان مدخلی بر مراسم مذهبی شیعی در دوره صفوی یاد شود. آثار شیخ صدوق (توابع‌الاعمال)، و شیخ مفید (الارشاد)، و شیخ طوسی (تهذیب) و آن‌چه سید محسن امین در اعیان‌الشیعه در توصیه پیشوایان به برپایی و حفظ سنن و آداب سوگواری و شادباش مراسم شیعیان آورده‌اند نشانگر قدمت پاسداشت مراسم مذهبی در میان شیعیان است که هم فلسفه عزاداری را بیان می‌کند و هم از جشن و سرور در مناسبت‌هایی چون عید غدیر یاد می‌شود. در میان این آثار روایی و استدلالی اصیل شیعه، کم نیستند آثاری که با نگرشی غیرتاریخی و غیرروشمند مفاهیمی فراتاریخی ارائه می‌دهند. تاریخچه مجالس عزاداری از آدم نبی تا خاتم وصی، سیاه‌پوشی در سوگ ائمه نور علیهم‌السلام، و تاریخچه عزاداری حسینی از زمان آدم (ع) تا زمان ما از جمله این نوع آثار است که ارزش پژوهشی قابل‌اعتنایی ندارند.

مقتل‌نویسی از سده سوم و چهارم، واقعه کربلا را به روایت شیعی حفظ و اشاعه داده است. آثار تاریخی داستانی و ادبی در این ایام نیز بر میزان آگاهی‌ها در چگونگی مواجهه با واقعه کربلا و سایر مواسم مذهبی شیعی تا روی کار آمدن صفویان افزوده است. از اثر ابن‌اعثم کوفی در سده چهارم و تاریخ یعقوبی تا آن‌چه ابن‌خلدون و ابن‌جوزی در چگونگی برپایی مراسم شیعی در دوره آل بویه مطرح می‌کنند پرتو بیشتری بر سیر مراسم می‌افکند. اثر فقیهی به نام آل بویه و اوضاع زمان ایشان گردآورنده بیشتر اطلاعاتی است که از این دوره در منابع

متعدد به جای مانده است و همان طور که گفته شد به عنوان پیشینه موضوع مورد استفاده قرار گرفته است.

پس از آل بویه تا برآمدن صفویان، اطلاعات اندک، اما به شیوه‌ای است که امکان ارایه خط سیر بر پایی مراسم مذهبی را می‌دهد. در اثر رسول جعفریان - تاریخ تشیع در ایران - مجموعه‌ای از این آگاهی‌ها گردآوری شده است. دوره تیموریان به عنوان مقطع ما قبل صفوی و ایام تألیف روضه‌الشهدا اثر مهم ملاحسین کاشفی، اهمیت بسیاری دارد. بر این اساس، تأثیرات اثر مذکور در برپایی مراسم عزاداری و به‌ویژه روضه‌خوانی در دوران پس از این در بخش جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. در دست‌بندی کلی از مآخذ دوره صفوی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

سفرنامه‌ها

سفرنامه‌های به جا مانده از دید مأخذشناسی مراسم مذهبی جایگاه در خور توجه و مهمی را به خود اختصاص می‌دهند. در دوره صفوی سیاحان خارجی به دلایل تجاری، سیاسی، و مذهبی رفت و آمد زیادی داشتند. ناآگاهی برخی از آنها به فلسفه و جایگاه مراسم مذهبی و در مواردی هم سنجی ناروایی که با مراسم مذهبی و ملی سرزمین خود دارند و بی‌توجه به تفاوت بنیادی فلسفه و مفاهیم آنها دشواری‌هایی ایجاد کرده‌اند.

پیترو دلاواله از مراسم عزاداری محرم سال ۱۰۲۸-۱۰۲۷ ق. توصیفی ارایه می‌دهد. آنچه در گزارش وی اهمیت دارد، علاوه بر

راه‌اندازی دسته‌های عزاداری از محلات مختلف شهر، اشاره به شبیه‌سازی و روضه‌خوانی است. از جمله شیوه‌های عزاداری، چوب یا استخوان به هم زدن است که با نوای سنج و نای فضای حزینی ایجاد می‌کرد.

دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا نیز برای دو سال در دوره حکومت عباس اول در ایران به سر برد. گزارش او اختصاص به مراسم عزاداری سال ۱۰۲۸ ق. اصفهان دارد. توصیف وی از نظم و ترتیب مجلس وعظ و عزاداری نه فقط از دید موضوع مراسم مذهبی که از لحاظ تاریخ اجتماعی نیز قابل تأمل است، هم او بر این نظر است که موضوع تشنگی امام حسین (ع) و یارانش چنان بر ایرانیان مؤثر افتاده که یکی از علل اساسی خیرات و مبرات آنها برای ساختن آب‌انبارها و نجات مردم از تشنگی است. درگیری‌های سخت هیأت‌های عزادار که نوعی رقابت محله‌ای - اجتماعی را نشان می‌دهد از جمله مشاهدات نامبرده است. گزارش آدام التاریوس از مراسم عزاداری شهر اردبیل، حضور گروه‌های صنفی عزاداران را نشان می‌دهد که سنگ‌زنی از جمله شیوه‌های عزاداری آنها است که با علم‌کشی، سیاه‌پوشی، روضه‌خوانی و شبیه‌سازی همراه می‌باشد. در گزارش کمپفر روضه‌خوانی از جمله بخش‌های مهم مراسم عزاداری است که در دو نوبت صبح و عصر در میادین و معابر عمومی و با ترتیب فصول ده‌گانه کتاب روضه‌الشهدا در ده روز نخست محرم صورت می‌گیرد، نکته بدیع در روایت کمپفر یاد از برپایی مراسم تیغ‌زنی و اربعین است. تقید ایرانیان به رعایت احکام ماه رمضان از نظر کمپفر جدی است. تاورینه از چگونگی برپایی مجلس

عزاداری در تالار عالی‌قاپو و میدان مقابل آن در دوره شاه سلیمان خبر می‌دهد که شبیه‌سازی از جمله مهمترین بخش‌های مراسم بود که سیر تحول آن تا رسیدن به هنر تعزیه چشمگیر است. تاورینه از مراسم افطاری ماه رمضان و مصرف شایع و زیاد تنباکو و قهوه و همچنین چگونگی به جای آوردن مراسم قربانی در عید قربان اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت آگاهی‌های تاورینه سهم زیادی در توصیف مراسم مذهبی دوره صفوی دارد.

جملی کاری را از آخرین سیاحانی باید دانست که اطلاعات ارزشمندی از مراسم مذهبی به‌ویژه عزاداری محرم و قربانی دارد. بر اساس داده‌های تاریخی سیاحان از مراسم مذهبی، هم می‌توان روندی از تکامل و پیچیدگی را در آنها دید و هم به توصیفی از اوضاع اجتماعی رسید. بی‌تردید بدون وجود آگاهی‌های سیاحان که به کوتاهی از آنها یاد شد شناخت ما از مراسم مذهبی کامل نمی‌باشد.

منابع داخلی

منابع داخلی اعم از تاریخی، اعتقادی و ادبی، اگر چه توصیف تفصیلی از مراسم مذهبی ندارند اما همین میزان آگاهی‌ها نیز مکمل داده‌های تاریخی سیاحان بیگانه است که در بازسازی تصویری نسبتاً کامل از مراسم مذهبی ضرورت دارد. عدم تفصیل و حتی عدم اعتنا به ثبت مراسم مذهبی به‌ویژه در مقطع دوره نخست حکومت صفوی (از اسماعیل تا عباس اول) که از روایت سیاحان محروم هستیم نشانگر عدم رواج آن مراسم نیست بلکه به‌عنوان پدیده‌ای مرسوم و مقبول

ضرورتی در ذکر آن تصور نمی‌شود. از این رو اطلاعات منابع رسمی داخلی بیشتر بازگوکننده مراسم مذهبی رسمی است که از سوی دربار به جای آورده می‌شود و در حیطه توجه مورخ رسمی قرار می‌گیرد.

از منابع تاریخی اوایل حکومت صفوی اطلاعات درخوری به دست نمی‌آید. روایت جیب‌السیر و احسن‌التواریخ علی‌رغم جایگاه معتبری که در تاریخ‌نگاری این دوره دارند چندان چشمگیر نیست. اما متونی چون *نقاوه‌الانوار*، *تاریخ عباسی*، و *عالم‌آرای عباسی* آگاهی‌های قابل توجهی ارائه می‌دهند. در این میان نسخه خطی بخشی از *ریاض‌العلماء* که در زندگی عالمان سنی است و هنوز به چاپ نرسیده است پرده از نقد تند میرزا مخدوم شریفی از مراسم مذهبی دوره صفوی بر می‌دارد. این نقد با پاسخ میرزا عبدالله افندی و هم‌چنین قاضی نورالله شوشتری مواجهه می‌شود و در مجموع پرتو روشنی بر موضوع مورد مطالعه می‌افکند.

اختصاص بخشی از این پژوهش به بررسی جایگاه روضه‌الشهدا اثر ملاحسین کاشفی به لحاظ تأثیرگذاری جدی این اثر بر مراسم روضه‌خوانی دوره صفوی است. به نظر می‌رسد صفویان از اقتباس کامل محتوای روضه‌الشهدا در اوایل حکومت به سمت تعدیل و تغییر آن در اواخر پیش رفتند و در این میان بر صبغه شیعی آن روزبروز افزودند. در اثر اواخر دوره صفوی به نام دستور شهریاران برخلاف شیوه تاریخ‌نگاری رسمی، به تفصیل بیشتری به مراسم مذهبی و به‌ویژه عزاداری پرداخته می‌شود. این مراسم هم‌زمان با درگذشت شاه سلیمان صفوی از سوی دربار در مسجد جامع برپا می‌شود. جایگاه اسناد در این

بررسی محدود به دوره شاه سلطان حسین است که بیشتر از وقف مختص مراسم مذهبی خبر می‌دهد.

منابع متعدد و پرشمار دوره صفوی در جریان انجام پژوهش حاضر ملاحظه شده، اما آن‌چه در کتابشناسی آمده است فقط منحصر به منابعی است که مطلب قابل اعتنایی در حوزه پژوهش داشته و از آن استفاده شده است. بنابر این کتابشناسی نمی‌تواند در بردارنده قلمرو بررسی و جستجویی باشد که در منابع و پژوهش‌ها صورت گرفته است، از جمله آثاری که اهمیت درخور در مسایل تاریخی دوره صفوی دارند و در این زمینه اطلاعات قابل توجهی نداشتند و قاعدتاً نیز در کتابشناسی از آنها یاد نشده است عبارتند از: صفوه/الصفاه اثر ابن بزار اردبیلی (غلامرضا طباطبائی، ۱۳۷۲) که در حالات و زندگی شیخ صفی‌الدین نوشته شده و در آن نگاه و توجهی در موضوع مراسم مذهبی و به ویژه واقعه کربلا و عزاداری آن نمی‌شود. البته این شیوه هم‌سو با مذهب سنت شیخ صفی‌الدین است که فرزندان فرمانروایش در حکومت صفوی به زدودن آثار تسننی آن اقدام کردند. علی‌رغم اهمیت حضور برداران شریلی در حکومت صفوی زمان عباس اول، سفرنامه به جا مانده و منسوب به آنها آگاهی درخور توجهی در این رابطه ندارد. جایگاه سیاحتنامه شاردن یا دقیق‌تر، دائرةالمعارف شاردن از دوره صفوی، متأسفانه در بخش مراسم مذهبی چندان رفیع نیست دو ترجمه پنج جلدی اقبال یغمایی (انتشارات توس، ۱۳۷۲) و ده جلدی عباسی کمتر از سایر سیاحتنامه‌های این دوره به کار آمد. تنها ایرانی که یادداشت‌هایش از جامعه ایران دوره صفوی با عنوان دون

ژوان/ایرانی به جای مانده اروج بیگ بیات است که در اسپانیا به کیش مسیحیت درآمد و ماندگار شد. نگاه اروج بیگ در این اثر ترجمه شده (مسعود رجب‌نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸) بیشتر به حکومت و سازمان حکومتی صفویان و تاریخچه‌ای از سلسله پادشاهی در ایران معطوف است و آن‌چنان که بر مراسم تدفین توجه می‌کند از سایر مراسم یادی ندارد (ص، ۷۶-۷۷). در نامه‌های خان/احمد خان گیلانی که به کوشش فریدون نوزاد (تهران، ۱۳۷۳) به چاپ رسیده اشاره مهمی به مراسم مذهبی نمی‌رود که بیشتر موضوع حکومت و درگیری قدرت است و آنجا نیز که موضوعات اجتماعی مطرح می‌شود اثری از موضوع پژوهش حاضر نیست. اثر اختصاصی به جا مانده از روزگار شاه صفی به قلم محمد معصوم بن خواجگی اصفهانی و با عنوان خلاصه‌السیر (تاریخ روزگار شاه صفی صفوی) (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸) که با نظم زمانی سالیانه به ذکر حوادث می‌پردازد. بیشتر از رویدادهای رسمی (سیاسی، نظامی) یاد می‌شود. همین ویژگی را در اثر محمدطاهر وحید قزوینی با عنوان عباس‌نامه یا شرح زندگانی ۲۳ ساله شاه عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۳) (تصحیح ابراهیم دهقلان، اراک، ۱۳۲۹)، می‌بینیم، آن‌چه در این اثر درباره آیین و جشن سپند و حضور دختران در محل کسب پدرانشان در اول اسفند ماه آمده است (ص، ۱۹۸) در نوع خود بی‌نظیر است اما پیوندی با مراسم مذهبی ندارد. امید بود در آثاری در حوزه تاریخ محلی بتوان آگاهی‌های بیشتری از موضوعی اجتماعی به نام مراسم مذهبی به دست آورد اما بررسی اثر محمد مفید مستوفی بافقی با عنوان جامع مفیدی (کتابفروشی اسدی،

۱۳۳۹، ج سوم - همانجا، ۱۳۴۲، ج اول) خلاف این انتظار را نشان داد. به همین شیوه در اثر میرمحمد سعید مشیزی، تذکره صفویه کرمان (نشر علوم، ۱۳۶۹)، نیز جز اشاره‌ای به دادن خلعت از سوی حاکم کرمان به واعظ، خبر مهمی در حوزه پژوهش حاضر نمی‌توان یافت. اثر دو جلدی شرف خان بن شمس‌الدین بدلیسی، *شرفنامه* (تصحیح زرnof، اساطیر، ۱۳۷۷) تقریباً هیچ آگاهی از مراسم مذهبی شیعیان نداشت امری که به لحاظ مذهب تسنن مؤلف و حوزه بررسی قلمرو سنی‌نشین کردستان بدیهی می‌نماید. *سفرنامه* کروسینسکی (تصحیح میراحمدی، توس، ۱۳۶۳) اثری مهم در موضوع سقوط صفویان است. حضور طولانی کروسینسکی در ایران و به ویژه حضور او در اصفهان در زمان محاصره افغان‌ها موجب اهمیت روایت نامبرده در آن موضوع شده است اما این کشیش لهستانی توجهی به مراسم مذهبی شیعی ندارد. دیگر *سفرنامه* مقطع پایانی حکومت صفوی *سفرنامه* حزین است. محمدعلی حزین لاهیجی (۱۱۸۰-۱۱۱۳ ق) در این اثر (تصحیح علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷) علاوه بر ترسیم تصویر قابل توجه از اوضاع پایانی صفویان و تألیف شرح حال بسیاری از علمای هم عصرش اشاره درخوری به موضوع ندارد و به همین ترتیب می‌توان از اثر میرزا محمد خلیل مرعشی به نام *مجمع‌التواریخ* (تصحیح اقبال آشتیانی، سنایی و طهوری، ۱۳۶۲) یاد کرد. محمد هاشم آصف در *رستم‌التواریخ* (تصحیح مشیری، امیرکبیر) نگاهی متفاوت از تاریخ‌نگاری رسمی به حکومت صفوی دارد، اما در این نگاه نیز مراسم مذهبی جایی ندارد.

پژوهش‌های دوره صفوی به جز در مواردی معدود و آن نیز با اشاراتی پراکنده به موضوع مراسم مذهبی نپرداخته‌اند. در واقع، استدلال و انگیزه نگارنده جهت پرداختن به این موضوع نیز همین نکته بود. در مجموع پژوهش‌هایی که صفوی‌شناس معروف راجر سیوری انجام داده و بخشی از آن در کتاب *ایران عصر صفوی* موجود است. به این موضوع اشاره‌ای ندارد. اثر غلام سرور در *تاریخ شاه اسماعیل صفوی* (ترجمه آرام و غفاری‌فرد، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴)، پژوهشی در تاریخ سیاسی و نه اجتماعی یا اقتصادی اسماعیل اول است. نصرالله فلسفی در *زندگانی شاه عباس اول* در محدوده توجه به ویژگی‌ها و سیاست‌های عباس اول به موضوعات مختلفی و از جمله موضوع باورهای دینی نامبرده اشاره می‌کند اما نمی‌توان نوشته‌های فلسفی را نگاهی همه جانبه، روشمند، و کامل در مراسم مذهبی دانست. اثر ابوالقاسم سحاب با عنوان *تاریخ زندگانی شاه عباس کبیر* (تهران، ۱۳۲۵)، به طور کلی جایگاهی در پژوهش‌های نوین دوره صفوی ندارد. پاول لوفت کتاب *ایران در عهد شاه عباس دوم* (ترجمه جهاننداری، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰) را به چاپ رسانده و سیاست، اقتصاد، و سیاست مذهبی دوره عباس دوم را مورد بررسی قرار داده است. تاریخ صفویه اثر احمد تاج‌بخش نوشته‌ای کلی درباره موضوعات مختلف دوره صفوی است و اشاره‌ای به آداب و رسوم این دوره دارد و از جشن نوروز (ص ۲۸۴)، جشن گل سرخ (ص ۲۸۳)، آبریزان، (ص ۲۸۲) و غیره یاد می‌کند. در *تاریخ اجتماعی ایران* اثر مرتضی راوندی

(نگاه، ۱۳۷۱، ج ۶). به طور کلی از آداب و رسوم اجتماعی و از جمله تعزیه یاد می‌کند اما اثری از اشاره مبسوط به مراسم مذهبی نیست.

از جایگاه مقتل نویسی در حفظ و استمرار یاد و تأثیرات واقعه کربلا یاد شد، در اینجا نگاهی به برخی آثار اعتقادی - تاریخی می‌شود که در موضوع شهادت امام حسین (ع) به رشته تحریر درآمده است اما این به معنای توجه به مراسم مذهبی نیست: شیخ عباس قمی در اثر فیض‌العلام فی عمل الشهور و وقایع الایام (نوید، ۱۳۶۵) و بحارالانوار (زندگی امام حسین) تألیف محمدباقر مجلسی (ترجمه محمد جواد نجفی، اسلامیه، ۱۳۹۶، ق. ج ۱۰) سیر داستان واقعه کربلا را به میان می‌آورد و مهمتر این که اثر دوم از نوحه و ندبه ملائک و پیامبران (بخش ۴۰)، نوحه جنیان برای امام حسین (بخش ۴۳)، و مرثیه‌هایی که برای امام حسین سروده‌اند (بخش ۴۴)، یاد می‌کند و بدین ترتیب قدمت و ضرورت سوگواری را نشان می‌دهد. توجه به این اثر به عنوان یافتن توجهی به مراسم مذهبی دوره صفوی بی نتیجه است. در مقتل الحسین اثر شیخ محمد حسین آل کاشف الغطا (قم، شریف رضی، ۱۳۷۷) به شیوه معمول مقتل نویسان از حوادث، به ویژه روز عاشورا یاد می‌شود و به همین ترتیب مقتل سیدالاولیاء و سیدالشهدا اثر عبدالمنعم کاظمی. افزون بر این می‌توان از آثار ذیل نام برد: لولومرجان، اثر محدث نوری (تهران، ۱۳۶۴)، کرامات الحسینه اثر علی میرخلفزاده (نصایح، ۱۳۷۶) که بیشتر از معجزات به قائلان و باورمندان به حفظ سنت عزاداری حسین (ع) یاد می‌شود. مهیج/احزان اثر سید احمد کتابچی (اسلامیه، ۱۳۷۵ ق) که از آداب

تعزیه و ماتم شروع می‌کند و به ذکر وقایع کربلا می‌رسد. هودج خون، نوشته ابوالفضل هادی منش (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰)، از فرهنگ، ضرورت، سیره، آموزه، و آداب عزاداری سخن به میان می‌آورد. آن‌چه آمد اشاره به نمونه‌های از آثاری است که با صبغه مذهبی و اعتقادی به موضوع کربلا و امام حسین (ع) توجه دارند اما از مراسم مذهبی و به ویژه آن‌چه در دوره صفوی رواج داشته است یاد نکرده‌اند. به تعبیر دیگر، این آثار بیشتر وجهه روایی، کلامی و اعتقادی دارند تا بررسی تاریخی.

هدف از رجوع به آثار ادبی در خلال این پژوهش در راستای رسیدن به آگاهی از مراسم مذهبی بود. بررسی دیوان محتشم کاشانی، صائب تبریزی، وحشی بافقی، فیاض لاهیجی اگر چه در مواردی نشانه‌هایی از شیوه برپایی مراسم مذهبی و به ویژه سوگواری محرم را در اختیار می‌گذاشتند اما بیشتر بیانگر نوع نگرش به آن وقایع بودند. مقالاتی که در این موضوع وجود داشت بیشتر نگارشی ژورنالیستی بود تا دانشگاهی. اما در این میان آن‌چه با عنوان تعزیه به رشته تحریر درآمده و مبدأ موضوع را به دوره صفوی می‌رساند کمتر از داده‌های دقیق تاریخی سود برده بود.

تعزیه

پیدایش یا عدم پیدایش تعزیه در دوره صفوی محور نوشته‌های متعددی قرار گرفته است. صادق همایونی در مقاله «تعزیه سرآغاز همایش ملی (نشریه گلستان قرآن، شماره ۶۲، ص ۱۹-۱۵) تعزیه را به

عنوان نمایش مذهبی دارای پیشینه طولانی می‌داند که در همه تمدن‌ها (مصر، بین‌النهرین، چین، هند، اروپای باستان و میانه و...) سابقه داشته است و تأکید می‌کند که در ایران قدیم و بر اساس متن یادگار زریران نمونه‌ای درخشان از یک واقعه ملی مذهبی را به صورت تعزیه می‌بینیم و هم چنین مراسم کین سیاوش و کین ایرج جلوه‌هایی از نمایش ملی و مذهبی ایران را در بردارند (ص ۱۸). او در جای دیگر لفظ شبیه را می‌آورد که بیشتر مفهوم شکلی (نمایشی) را افاده می‌کرد و رساتر از کلمه تعزیه بود که یک مفهوم موضوعی مربوط به تراژدی مذهبی و عزاداری را به ذهن تداعی می‌نمود و در مقاله تحولات و دگرگونی و سیر تکامل تعزیه‌های ایرانی (کاوه، سال ۱۱، شماره ۴۵، فروردین ۱۳۵۲) می‌افزاید گسترش تعزیه در ایران تا حدی مدیون کتاب *روضه‌الشهدا* است که موجب رواج روضه‌خوانی شد و همراهی آن با سایر مراسم چون سینه‌زنی، نوحه‌خوانی و حرکت دستجات برای سینه زدن در کوی و برزن‌ها و حمل کردن علائم مختلف چون علم و کتل و اسب و نعش و طبل و سنج، زمینه‌ساز شبیه‌خوانی شد که خود مقدمه‌ای بر تعزیه محسوب می‌شود. در هر حال او بر این نظر است که مراسم تعزیه با همه مفاهیم آن پس از دوره صفوی رایج می‌شود. همین نظر را می‌توان در مقاله تعزیه از چه زمانی به وجود آمد؟ (نوشته بهاره برهانی، ابرار، ۷۸/۲/۱۲) دید. ادوارد براون نیز نمایش صحنه‌ها و مجالس هیجان‌انگیزی که به تعزیه‌خوانی موسوم است را مربوط به دوره صفوی نمی‌داند (م. عربشاهی، تعزیه در گذار تاریخ تشیع، جمهوری اسلامی، ۷۹/۱/۲۲). در این دیدگاه اگر تعزیه برآیندی از ترکیب و تکامل دسته‌گردانی‌ها، شبیه‌خوانی‌ها و روضه‌خوانی باشد پس از دوره صفوی و به‌طور مشخص در دوران زندیه به منصف ظهور

می‌رسد (پیشینه تاریخی تعزیه، حرم، شماره ۶۷، ص ۸؛ فریده مجیدی خامنه، تعزیه و تعزیه‌خوانی در ایران، گلستان قرآن، شماره ۶۳، ص ۴۱-۳۷). از آنجا که تعزیه‌خوانی در روند سازگاری با ساختار اجتماعی- فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد و بیش از آن که در قلمرو عمل و نفوذ دستگاه رسمی مذهب باشد در میان توده مردم است و دستاورد جهان‌بینی و شیوه تفکر و احساس درونی توده مردم جامعه‌ای است که فرهنگ دینی و اندیشه‌ای حماسه‌ساز بر ذهنیت آن چیره است (عنایت‌الله شهیدی، سازگاری تعزیه‌خوانی با ساختار اجتماعی- فرهنگی جامعه، اطلاعات، ۸۰/۱۲/۳) از این رو نمی‌تواند جامعه نوکیش صفوی به سرعت به این مرحله از آمادگی نایل آمد و صرف سیاست مذهبی فرمانروایان و نهادهای رسمی دینی موجب ظهور تعزیه گردد. در این میان پژوهشگری به تأثیر رابطه صفویان و کشورهای اروپایی مسیحی در تسریع تکامل به ویژه شکلی تعزیه توجه کرده است. حضور چشمگیر مسیحیان در ایران دوره صفوی- در محله جلفای اصفهان پانزده الی شانزده کلیسا و نمازخانه عیسوی وجود داشت- در حالی می‌توانست الگو قرار گیرد که مراسم مذهبی- نمایشی آنها به مرحله پیشرفته‌تری نایل شده بود (مجید فلاح‌زاده، سیر تاریخی- سیاسی تعزیه در دوران صفویان، چیستا، سال دوم، شماره ۸ و ۷۱۳۶۲، ص ۸۵۰) در هر حال اگر این تأثیرگذاری را بپذیریم بازهم روند انسجامی منجر به بروز تعزیه نشد.